

کتاب مقدس برای کودکان تقدیم می کند



شاهزاده ای که چوپان می شود



مترجم: Amir Dehnaei
بازگویی از: E. Frischbutter; Sarah S.

نویسنده: Edward Hughes
طراحی تصاویر: M. Maillot; Lazarus

داستان 10 از 60

www.M1914.org

Bible for Children, PO Box 3, Winnipeg, MB R3C 2G1 Canada

حق چاپ: شما اجازه دارید که این داستانها را کپی و یا چاپ نمایید به شرط آن که رایگان توزیع شود.

فارسی

Persian

به اطراف متمرکز شد تا مطمئن شود کسی نگاه نمی کند،
موسی به صاحب ظالم برده حمله کرد. در ادامه درگیری،
موسی مصری را کشت. او سریع جنازه را دفن کرد.



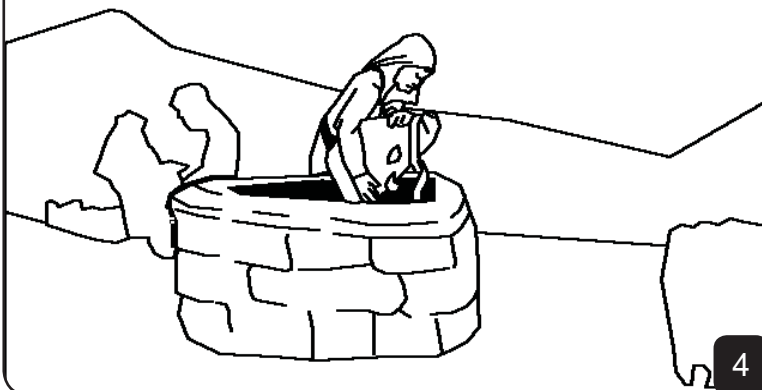
2

یک روز موسی دید که یک
مصری برده ای عبرانی را
کتک میزند. اگرچه موسی
مثل شاهزاده ای در سرای
فرعون رشد کرده و آموزش
دیده بود، بیشتر یک
عبری بود. او باید
به برده کمک
می کرد.



1

در حالی که موسی خوب استراحت کرده بود، هفت دختر کاهن
مدیان آمدند که برای گله پدرشان از چاه آب ببرند.



4

روز بعد، موسی دو عبرانی را دید که با هم گلاویز شده اند. او
سعی کرد جلوی آنها را بگیرد. یکی از آنها گفت، "ایا می خواهی
مرا هم مانند آن مصری بکشی؟" موسی ترسید. همه فهمیده اند
دیروز چه کردم. فرعون فهمیده است. موسی باید فرار میکرد.
او به سرزمین مدیان رفت.



3

یترون پدر دخترها، فریاد زد
که "زود به خانه برگشته
اید." وقتی دخترها توضیح
دادند، او گفت: "ان مرد را
به اینجا بیاورید." و موسی
با یترون زندگی کرد.



6

بقیه چوپانها سعی کردند آنها را از چاه دور کنند. موسی از آنها
محافظت و کمکشان کرد.



5

موسی این را نمیدانست، اما
خدا نقشه داشت که از او برای
کمک به عبرانیان برده گرفته
شده کمک کند. چهل سال از
وقتی که موسی مصر را ترک
کرده بود می گذشت. او چوپان
گله یترون بود. اما او باید قوم
خود در مصر را ترک می کرد.



8

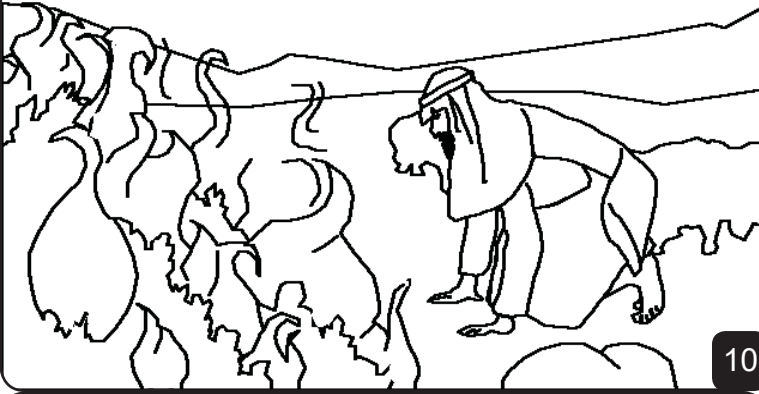
در مصر، فرعون در
گذشت. قوم خدا عبرانیان،
هنوز برده بودند و رنج آنها
شروع شده بود!



و برای کمک، به درگاه
خدا دعا میکردند.

7

وقتی موسی نزدیک شد، خدا از بیرون بوته او را صدا زد. به موسی گفت: "موسی!، "من اینجا هستم". خداوند گفت: "نزدیک تر نیا". "صندلهایت را از پایت بیرون بیاور، زیرا جایی که ایستاده ای زمین مقدس است".



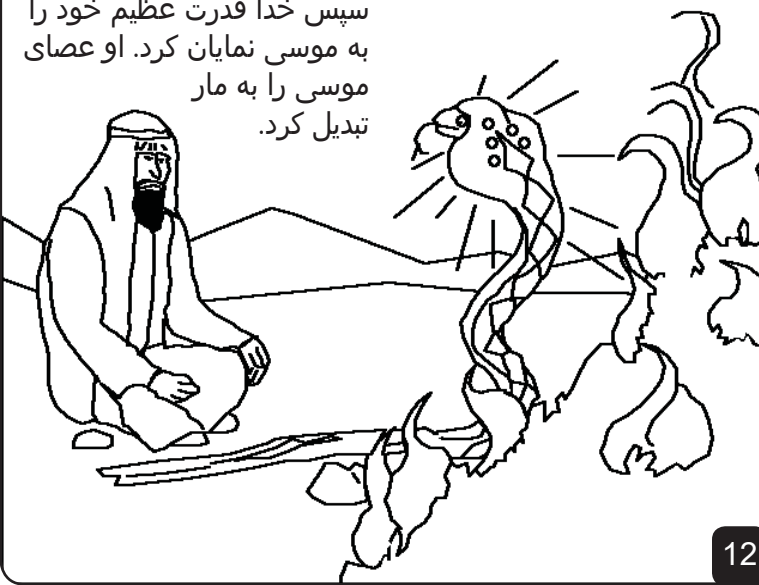
10

یک روز بوته ای شعله ور توجه موسی را جلب کرد. اما شعله بوته را نمی سوزاند. موسی تصمیم گرفت ببیند چطور چنین چیزی ممکن است.



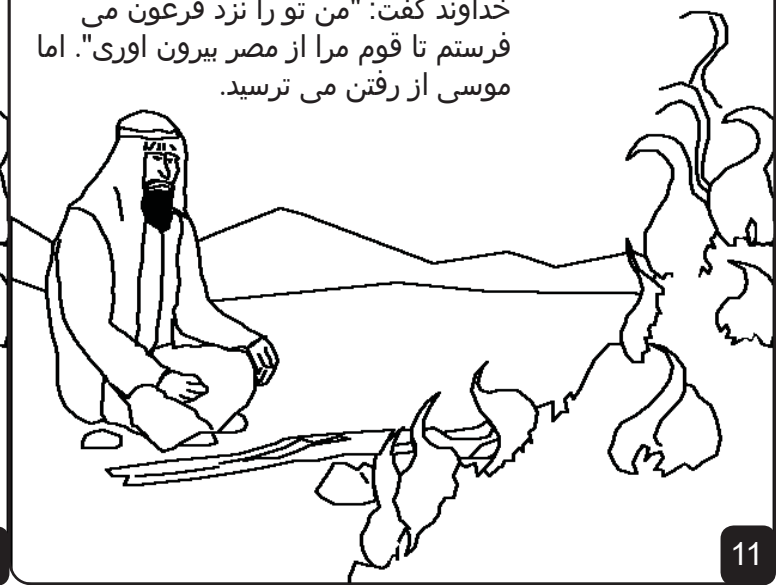
9

سپس خدا قدرت عظیم خود را به موسی نمایان کرد. او عصای موسی را به مار تبدیل کرد.



12

خداوند گفت: "من تو را نزد فرعون می فرستم تا قوم مرا از مصر بیرون اوری". اما موسی از رفتن می ترسید.



11

او فرمان داد، "دستت را درون ردایت ببر". موسی انجام داد. دست او از لکه های پوستی سفید گشت.



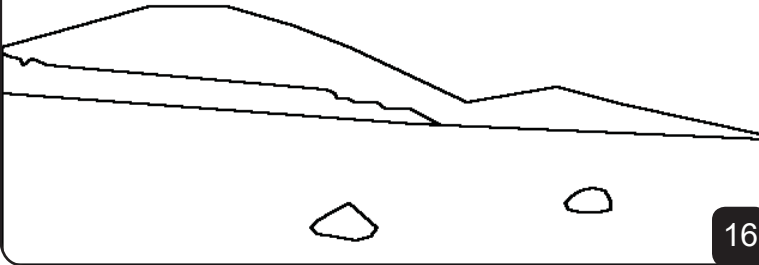
14

وقتی موسی، مار را از دمش بلند کرد دوباره تبدیل به عصا شد. خداوند معجزه ای دیگر نشان داد.



13

موسی هنوز اعتراض می کرد. او به خدا گفت: "من خوب صحبت نمی کنم." خداوند خشمگین شد. او گفت: "من از برادرت هارون استفاده خواهم کرد، تا کلماتی را که به او می گویی بیان کند."



16

وقتی این کار را دوباره انجام داد، دستش دوباره سالم گشت.



15

خداوند به برادر موسی هارون، اجازه داد که در کوه با موسی ملاقات کند. موسی همه چیز را درباره نقشه خداوند برای نجات قوم عبرانیان از دست مصریان را به هارون گفت. با هم، اتفاقات جدید را برای رهبران عبرانیان انجام دادند. وقتی موسی معجزات را به رهبران عبرانیان نشان داد، آنها فهمیدند که خداوند کمکشان خواهد کرد. همه با هم، مشغول عبادت شدند.



18

موسی به یترون برگشت، وسایل خود را برداشت و آنجا رابه سمت مصر ترک کرد.



17

فرعون جواب داد، "من اجازه نخواهم داد که اسرائیلیان بروند." او از خداوند اطاعت نکرد. خداوند باید از قدرت عظیم خود برای عوض کردن طرز فکر فرعون استفاده میکرد.



20

موسی و هارون با شجاعت به نزد فرعون رفتند. آنها به او گفتند: "خداوند ما میگوید، اجازه بده که قوم من بروند."



19

خدا می‌داند که ما کارهای بدی انجام داده‌ایم کارهایی که او آنها را گناه می‌خواند. مجازات گناه مرگ است.

خدا جهانیان را آن قدر محبت نمود که پسر یگانه خود را فرستاد تا با مرگش بر روی صلیب مجازات گناه ما را بپردازد. عیسی پس از مرگ دوباره زنده شد و به آسمان بالا رفت. به این وسیله خدا اکنون می‌تواند گناهان ما را ببخشد.

اگر می‌خواهی از گناهان خود توبه کنی، این دعا را نزد خدا بکن: خداوندا من ایمان دارم که عیسی برای گناهان من مُرد و اکنون دوباره زنده است. خواهش می‌کنم وارد زندگی من بشو و گناهان مرا ببخش تا بتوانم زندگی تازه‌ای داشته باشم و برای همیشه با تو باشم. کمک کن تا به عنوان فرزند تو برای تو زندگی کنم. آمین.

کتاب مقدس را هر روز بخوان و همیشه دعا کن!

شاهزاده ای که چوپان می شود

داستانی از کلام خدا، یعنی کتاب مقدس

بر اساس

خروج 2-5

"کشف کلام تو نور می‌بخشد."

مزمور ۱۱۹: ۱۳۰

